

۱۲۹۸.۵۸

مجموعه دستاوردهای فرهنگی و اجتماعی در حوزه شهری

مدیریت شهری

و ارتقای مدیریت اسلامی، انقلابی و ایرانی

www.ketab.ir

به نام خداوند جان و خرد
کزین برتر اندیشه برنگذرد

سرشناسه	صالحی امیری، سید رضا، ۱۳۴۰ -
عنوان و نام پدیدآور	مدیریت شهری و ارتقای هویت اسریمی، انقلاقی و اجتماعی / نویسنده: سید رضا صالحی امیری؛ زیر نظر اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران.
مشخصات نشر	تهران: تیسرا، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	۱۲۴ ص؛ ۲۱×۱۴/۵.
فروست	نگاشت شهر؛ ۱۱۲.
فروست	فرهنگ و اجتماع؛ ۶۷.
شابک	۹۰۰۰ ریال؛ 978-600-7212-82-0
وضعیت فهرست‌نویسی	فیا
یادداشت	کتابنامه: ص ۱۲۴-۱۲۱.
موضوع	شهرداری تهران - برنامه‌های فرهنگی.
موضوع	هویت گروهی - ایران - تهران.
موضوع	جامعه‌شناسی شهری - ایران - تهران.
شناسه افزوده	شهرداری تهران. اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی.
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۴ ۱۸ ص ۲ ف ۶۰۶ HM
رده‌بندی دیوپی	۳۰۱
شماره کتابشناسی ملی	۳۵۹۸۵۵۹



معاونت امور اجتماعی و فرهنگی
اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی

مذیریت شهری و ارتقای هویت اسلامی، انقلابی و ایرانی

نویسنده: سید رضا صالحی امیری

ناشر: انتشارات تبنا

ربر نظر: اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران

ناظر علمی: سید رضا مصطفوی

مدیر تولید: ولی الله صدیقی فر

چاپ اول: پائیز ۱۳۹۴، شماره نشر: ۱۴۵

ویراستار: شهین خاصی، صفحه‌آرا: مریم قاسمزاده، طراحی جلد: طراحان راما

نیتوگرافی، چاپ، صحافی: ساغر مهر؛ ناظر هنی چاپ: علی کاتب

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه، قیمت: ۹۰۰۰ تومان، شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۲۱۲-۸۲-۰

همه حقوق چاپ و نشر این اثر محفوظ است. استفاده از مطالب با ذکر منبع بلاشکال است.

معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران

تهران، بزرگراه شهید گمنام، ابتدای بزرگراه کردستان، تلفن: ۸۲۱۰۶۰۰۰ <http://farhangi.tehran.ir>

۷	پیشگفتار
۱۳	مقدمه
۱۹	فصل اول: مبانی نظری
۱۹	مقدمه
۲۰	مفهوم شهر
۲۵	مفهوم هویت
۲۷	منابع هویت ایرانی
۲۹	فراز و نشیب‌های تکوین هویت ایرانی
۳۳	هویت شهری
۴۱	هویت و شهر
۴۲	شکل‌گیری هویت شهری
۴۳	روش سنجش هویت شهری
۴۴	راه‌های کسب هویت شهری
۴۷	شناخت مؤلفه‌های هویتی شهر
۵۰	مؤلفه‌های طبیعی هویت شهر
۵۱	مؤلفه‌های مصنوع هویت شهر
۵۲	مؤلفه‌های انسانی هویت شهر
۵۲	هویت شهرهای معاصر
۵۸	لزوم کشف دوباره فضاهای شهری در تعیین هویت مکانی
۶۰	تبیین نقش فضاهای شهری در تثبیت هویت مکانی
۶۲	هویت شهری شهر تهران
۶۳	فضاهای فرهنگی شهری

۶۶	محتوای فضاهای شهری
۶۸	فضای فرهنگی شهر تهران
۶۹	نمونه‌های فضای فرهنگی شهر تهران
۷۷	فصل دوم: ملاحظات نظری، حقوقی و محیطی ورود شهرداری به مباحث هویتی
۷۷	چرایی ورود شهرداری به مباحث هویتی
۷۹	۱. ملاحظات نظری
۸۴	۲. ملاحظات حقوقی
۸۶	۳. ملاحظات محیطی
	۱. رد تعریف مشخص از مرزهای هویت مشترک در سه حوزه فرهنگ ایرانی،
۸۶	اسلامی و غربی
۸۸	۲. حضرات و نهادهای فرهنگی در شهر
۸۹	۳. نبود سرزنش‌ناهی در فضاهای شهری
۹۱	۴. امن نبودن جرم زدگی شهروندان
۹۲	۵. نبود درک اجتماعی از نهادهای شهری
۹۴	۶. شکاف ارزشی میان ارزش‌های رسمی و غیررسمی
۱۰۱	فصل سوم: برنامه‌ها و اقدامات شهرداری تهران
۱۰۵	فصل چهارم: شاخص عملکرد هویت شهری شهرداری تهران
۱۰۷	نمودهای هویت شهر
۱۰۹	فصل پنجم: نتیجه‌گیری
۱۰۹	مقدمه
۱۱۲	الگوی پیشنهادی هویت شهری
۱۱۳	۱. واقع‌بینی و عینیت
۱۱۳	۲. آرمان‌گرایی و ایدئال‌گرایی
۱۱۳	۳. توجه به تجارب جهانی، ملی و بین‌المللی
۱۱۴	۴. بومی‌گرایی و محلی‌گرایی
۱۱۵	۵. جامعیت و نگرش بین‌بخشی
۱۱۵	۶. قابلیت و امکان اجرایی شدن
۱۱۵	۷. نسبت بین آرمان‌ها (اهداف) با واقعیت‌ها
۱۱۶	۸. توجه به فرهنگ غنی ایرانی - اسلامی
۱۱۷	پیوست: آیین‌نامه هویتی شهرها
۱۲۱	کتابنامه

پیشگفتار

شهرهای ادواری به ویژه کلان شهرها، پدیده‌هایی بسیار پیچیده‌اند که در گذری تاریخستان به سوی این پیچیدگی، ادراکات و شناخت های متفاوت و روزبه‌روز پیچیده‌تری نیز از آنها پدیدار شده‌است. حدود پنج دهه پیش‌تر، شهرها هویت‌هایی فیزیکی با غلظت زیرساخت‌های خدمات شهری، و پدیده‌هایی قابل دستکاری تلفی می‌شدند که تغییرات در آنها به قصد ایجاد حداکثر نفع کارکردی صورت می‌گرفت. در این دوران رویکرد غالب به شهرها برنامه‌ریزی شهری از نظر فضایی جابجایی برای استقرار کاربری‌ها، و تحلیل‌های اقتصادی بود؛ از این رو در روند اداره شهر مدیریت زیرساخت‌ها و متغیرهای فضایی - اقتصادی در اولویت بود، ولی با گذر این سال‌ها، محیط‌های شهری با انبوهی از مشکلات مواجه شدند. برنامه‌ریزی‌های فضایی دیگر نتوانستند اهداف مطلوب را محقق سازند؛ مشکلات زیست محیطی به ساختارهای شهری هجوم آوردند، و مطالعات نشان داد که بهبود زیرساخت‌های فناوریانه و خدمات شهری، نه بدون مردم ممکن است و نه می‌بایست در خدمت چیزی جز مردم باشند. هم‌زمان، رسانه‌ای شدن و انبوه شدن تولید محصولات فرهنگی، پیدایش جنبش‌های اجتماعی جدید، بروز خواسته‌های جدید در آدیان عصر مدرن، و ناخرسندی‌هایی که برای

افراد در محیط‌های شهری پدید آمد، نیازها و مطلوب‌های دیگری برای محیط‌های شهری و انسان‌های حاضر در آن پدید آورد. در نظام مطالعاتی توسعه نیز به تدریج جایگاه توسعه انسانی، اجتماعی، فرهنگی، سرمایه اجتماعی، و به طور کلی محوریت انسان، روابط اجتماعی و کیفیت زندگی به عنوان ترکیبی از عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، زیست محیطی بروز کرد. طبیعی بود که رویکردهای جدیدی در مدیریت شهری بروز کنند تا بتواند صورت‌بندی نوینی از مسائل، اولویت‌ها و اهداف آن ارائه داد و بر مبنای آنها برای مدیریت شهر برنامه‌ریزی کرد.

البته این تحولات بدان معنا نیست که جایگاه فناوری، اقتصاد، و برنامه‌ریزی فضایی در شهرها کم‌رنگ شده است. مدیریت شهری، متخصصان شهری و فناوری‌ها ابزارهای جدیدی برای بهبود سامانه‌های حمل و نقل، کاهش آلودگی زیست محیطی، بهبود ارتباطات، کم‌هزینه‌تر کردن خدمات شهری، و سایر نیازمندی‌ها ارائه کرده‌اند. ولی مسئله این است که همه این دستاوردها باید در کنار توجه به اساس هدف قرارداد کیفیت زندگی انسان، مشارکت مردمی در اداره و پیشبرد امور شهری، و تقویت فضای زیست مدنی نگریسته شوند.

شهر تهران و مدیریت شهری آن در چند دهه گذشته حرکتی تدریجی را از رویکردهای اقتصادی - فنی به رویکردهای جدید انسان‌محور آغاز کرده و پشت سر گذاشته است. این شهر و مردمانش در عصر حاضر با اقتضائاتی که گفته شد حضور دارند؛ بنابراین توسعه پایدار آن، ارتقای کیفیت زندگی شهروندانش مستلزم همسو شدن با نگرش‌های جدید در مدیریت شهری در جهان، همراه با در نظر گرفتن مشخصات بومی ایران و این کلان شهر است. از همین رو، شهرداری تهران در هشت سال گذشته (دوره مدیریت محمدباقر قالیباف) کوشیده است ابعاد گوناگونی از رویکرد مبتنی بر

اولویت «انسان، جامعه و فرهنگ» در مدیریت شهری را برای ارتقای کیفیت زندگی در این کلان‌شهر به کار گیرد. در اساس، چهارده رویکرد، راهنمای تدوین برنامه‌ها و فعالیت‌ها برای تحقق چشم‌انداز فرهنگی و اجتماعی شهرداری تهران بوده‌اند. این رویکردها عبارتند از:

۱. توسعه مدیریت اجتماعی و فرهنگی؛
۱. تولید اندیشه و دانش شهری؛
۱. تقویت هویت اسلامی، انقلابی و ایرانی شهر تهران؛
۲. ارتقای فرهنگ عمومی و باورهای دینی شهروندان؛
۵. توسعه مشارکت‌های شهروندی؛
۶. تحکیم بین - انوادی؛
۷. بهبود سبک زندگی شهروندان؛
۸. توسعه فرهنگ شهروندی؛
۹. توسعه گروه‌های اجتماعی - از اندسازی اقشار آسیب‌پذیر؛
۱۰. ترویج جامعه سلامت‌محور؛
۱۱. توسعه آموزش شهروندی؛
۱۲. توسعه ورزش همگانی؛
۱۳. توسعه و تقویت اقتصاد فرهنگی شهر؛
۱۴. توسعه فضاهاى اجتماعى و فرهنگى.

تغییر رویکرد به مدیریت شهری و داشتن نگاهی اجتماعی و فرهنگی، علاوه بر آنکه نیازمند تغییر در نگرش به شهر است، مستلزم مداخله شهرداری در حیطه‌های مرتبط با این رویکردها و انجام اقداماتی نیز بوده است. این اقدامات بر سه بنیان متفاوت بنا شده و تحقق یافته‌اند که عبارتند از: تحقق توسعه پایدار، ایجاد حکمرانی خوب شهری، و تبدیل شهرداری به نهادی اجتماعی و نه صرفاً سازمانی خدماتی. این نگرش و

تمایل مدیریت شهری در این دوران ایجاب می‌کرد شهرداری الزامات نظری چنین رویکردی را نیز پذیرا باشد؛ زیرا با بی‌توجهی به مقوله‌های اجتماعی و فرهنگی گفته‌شده نمی‌توان مدعی تحقق توسعه پایدار، حکمرانی خوب شهری و گذر به وضعیت ایجاد نهادی اجتماعی بود. البته گفتنی است همه اقدامات شهرداری در این عرصه‌ها برآمده از الزامات نظری نبوده‌است.

شهرداری تهران بر اساس مجموعه‌ای از اسناد فرادستی و الزامات حقوقی و قانونی عمل می‌کند. در این اسناد، وظایفی برای شهرداری تعریف شده که برخی از مهم‌ترین آنها ماهیت اجتماعی و فرهنگی دارند. بدیهی است که چنین اسنادی معمولاً شیوه تحقق بخشیدن به اهداف یا نوع رویکرد لازم برای رسیدن به آنها را مشخص نمی‌کنند؛ به همین دلیل، رویکرد نظری مدیریت شهری در این دوران که برآمده از الگوهای نوین توسعه است، مکملی برای این اسناد و الزامات به شمار می‌آید.

بااین‌همه، وضعیت برخی از شهرداری تهران را به مداخلات اجتماعی و فرهنگی واداشته‌است. تهران کلان‌شهری با آسیب‌های اجتماعی، سرانه فعالیت و مصرف فرهنگی از یک، بلایه الگوهای سبک زندگی نامتناسب با دنیای جدید و مطلوب‌های توسعه، شاخص نامناسب گروه‌های اجتماعی در مدیریت شهر، و البته انبوهی از کاستی‌های اجتماعی و فرهنگی بوده و هست؛ بنابراین مدیریت شهری می‌بایست جدای از ملاحظات نظری و الزامات اسناد فرادستی، اقداماتی ضروری را نیز انجام می‌دهد. به همین اساس، می‌توان مدعی شد شهرداری تهران بنابر ملاحظات نظری و الزامات حقوقی و قانونی و وضعیت محیطی که در آن مدیریت شهری اعمال می‌شده، نسبت به انجام برخی فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی اقدام کرده‌است.

این کتاب با عنوان مدیریت شهری و ارتقای هویت اسلامی، انقلابی و

ایرانی، یک جلد از مجموعه آثار چهارده‌جلدی است که به مستندسازی و ارزیابی تحلیلی و انتقادی از مجموعه فعالیت‌های شهرداری تهران در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ در حیطه اجتماعی و فرهنگی و بر اساس رویکردهای چهارده‌گانه‌ای می‌پردازند که پیش از این به آنها اشاره شد. آثار این مجموعه، الزامات مداخله شهرداری در هر یک از مقوله‌های اجتماعی و فرهنگی را در ذیل الزامات نظری، حقوقی و محیطی بررسی می‌کنند و توضیح می‌دهند که شهرداری در عرصه هر رویکرد چه اقداماتی انجام داده‌است. سعی شده که بررسی اقدامات صورت گرفته شکل گزارش کار نداشته باشد، چرا که بررسی فعالیت‌های شهرداری، منتشر شده و در اختیار شهروندان قرار گرفته‌است؛ بلکه سعی بر این بوده گزارشی تحلیلی و انتقادی از آنچه انجام شده ارائه شود. در کلیت اقدامات شهرداری در یک دوره هشت‌ساله را برای خواننده معنادار سازد. سپس نویسندگان این مجموعه کوشیده‌اند اقدامات انجام شده را با استفاده از انتقادی تحلیل کنند و در نهایت دستاوردهای این اقدامات را برای شهر و شهروندان تهران ارائه کنند.

در این میان باید به نکته‌ای مهم توجه داشت. مشکل اینجاست که نسبت دادن دستاوردها یا ناکامی‌های احتمالی مدیریت شهری تهران، دشوار است. در هر کدام از عرصه‌های بررسی شده به نفع و زیان شهرداری تهران، سایر سازمان‌های عمدتاً دولتی نیز فعالیت داشته‌اند؛ به همین دلیل به سختی می‌توان اثر اقدامات شهرداری را از نتیجه فعالیت‌های این سازمان جدا کرد و سهم این نهاد را در وضع موجود مشخص ساخت. با این حال می‌توان بر مبنای مجموعه آثار فعلی، اقدامات شهرداری را در مدت هشت سال اخیر ارزیابی کرد و بر این اساس به تأمل و بازاندیشی در این اقدامات و دستاوردها پرداخت. همچنین این مجموعه می‌تواند مبنایی برای انتقال تجربه به نظام مدیریت شهری بعدی تلقی شود و مکتوب شدن آن، ماده

خامی برای جامعه دانشگاهی است تا این دوران را تجزیه و تحلیل کنند و بر شناخت‌های موجود از سازوکارهای مدیریت شهری و دستاوردها و کاستی‌هایش بیفزایند.

سید محمدهادی ایازی

جهانی شدن در دهه پایانی قرن بیستم و آغاز هزاره سوم میلادی مهم ترین چالش در حوزه فرهنگ سیاسی کشورها در سطح جهان بوده است. بسیاری از صاحب نظران معتقدند پروژه جهانی شدن با هدف یکسان سازی و همسان سازی فرهنگی، درصددستحلیل شیوه زندگی غرب بر سایر جوامع است تا از طریق از خود بیگانگی و خود باختگی سایر ملت ها (به ویژه کشورهای در حال توسعه) در برابر فرهنگ غربی، آنها را به تسلیم در برابر ابزارهای تبلیغی و ارتباطی خود وادار کند. یکی از مهم ترین حوزه های تأثیر پذیر در چنین دوره ای موضوع هویت است. در این میان، عده ای معتقدند جهانی شدن موجب پویایی و بالندگی هویت ملی می شود، ولی دیگران بر این نکته تأکید می کنند که فرایند جهانی شدن با تحریک کردن هویت های ملی موجب ایجاد تنش های سیاسی و اجتماعی در کشورهای در حال توسعه و از دست رفتن یکپارچگی و وحدت ملی و نظام های سیاسی آنان خواهد شد. آنچه در این کتاب اهمیت ویژه ای دارد، توجه به ابعاد مختلف هویت شهر است که در عصر جهانی شدن استلزامات خاص خود را دارد.

به اعتقاد صاحب نظران فرهنگی، هر شهری باید هویت خاص خود را داشته باشد. تنها با وجود چنین هویتی است که شهروندان به شهر خود تعلق خاطر پیدا می کنند و با آرامش و معنابخشی بیشتر به خود، حس اعتماد و امنیت روانی بیشتری خواهند داشت. ایجاد هویت شهری به مفهوم حفظ ساختار و سازمان مشخصی است که برای افراد مختلف قابل درک و لذت بخش باشد. از آنجاکه افراد مختلف راه های گوناگون برای ایجاد ساختار سازمان دادن به محیط اطرافشان را به کار می گیرند، بنابراین سازمان یا ساختار یک محیط شهری یا یک شهر، بسته به عامل واحدی نیست، بلکه عوامل مختلف در این ساختار، به صورت لایه های مختلف بر روی هم قرار می گیرند و هر یک یگر نفوذ می کنند تا شبکه و کلیتی با مفهوم و معنی دار ایجاد شوند (میرمحمدی، ۱۳۸۵: ۲۶۸).

نظریه پردازان برای هویت به شیدن به شهرها و فضاها، لایه ها و شاخص های مختلفی پیشنهاد داده و خاطرات جمعی، شفافیت و سازگاری، نفوذپذیری، نمایانی و حوایی، تنوع و کثرت اقتصادی و فعالیتی، انعطاف پذیری، امنیت، همبستگی اجتماعی، مشارکت در امور گوناگون اجتماعی و فرهنگی، توجه به محله و رشد محله فراس، توجه به فضاها و عرصه های عمومی و همگانی، تحرک و پویایی، اختلاط کاربری ها، چهره و منظر شهر، وغیره را بیان کرده و معتقدند که تقویت احساسات و دستیابی به استقلال فرهنگی، تحرک و پویایی روابط اجتماعی، سکونت آیدار و رفع احساس غربت و دل تنگی، تحکیم روابط همسایگی و به عبارتی تقویت رابطه انسان با شهر از مهم ترین عوامل مؤثر بر هویت به شمار می آید (نوده فراهانی، ۱۳۸۵: ۱۶۴). از این منظر، شهر، تجلی گاه اندیشه انتزاعی و اجتماعی، مظهر زندگی و منبع نمادین خاطرات، تصورات و تعلقات ماست. پس از مدرنیته و انتقال تجارب غربی ها به کشورهایی چون ایران، «هویت» و

مباحث مربوط به آن، به چالشی همه جانبه کشیده شد، به گونه ای که از آن زمان به بعد، یکی از داغ ترین مباحث میان اهل درد و حرفه، بحث هویت و گلابه از بی هویتی فضاهای شهری و معماری است. از این دیدگاه برای اینکه شهر هویت داشته باشد باید به دو نکته مهم دقت کرد: اول اینکه هویت شهر باید فراتر از هویت فردی و قومی شهروندان باشد؛^۱ دوم اینکه هویت شهری، هویتی تقلیدی نیست.^۲

روا کاوی مفهوم هویت شهری و عناصر سازنده آن می توان به موضوعاتی همچون زمان، مکان، قومیت، اعتقادات، آداب و رسوم، زبان مشترک، گرایش ها و ارزش های محلی اشاره کرد. هویت از آنجاکه ریشه در تاریخ زندگی اجتماعی آدمی دارد، دارای بعد زمانی است؛ همچنین در دل این مفهوم نوعی تعلق به زمان و جود دارد که به آن بُعد مکانی می دهد و از سوی دیگر هویت بر اعتقادات و باورها پیوندی ناگسستنی دارد، همان طور که با نژاد، قومیت و مانند آن ها، دارای رابطه ای انکارناپذیر است. در بحث از هویت یابی شهر تهران، میزبان شناخت مردم نسبت به

۱. شهر کلیتی است که قابل تجزیه به اجزای آن یعنی شهر زمان، مکان و هویت شهری فراتر از هویت های قومی، قبیله ای و روستایی است. هر گونه پاک کردن برجسته سازی هویت های قومی بدون احترام به هویت شهری، پیامدهای ناگوار برای شهروندان آن دارد. بسیاری از شهرهای ایران ویژگی روستایی و فرهنگ ایلانی را حفظ کرده اند و نتوانسته اند به فرهنگ شهرنشینی وارد شوند.

۲. برای مثال در مورد نمادهای یک شهر، اگر دبی با برج العرب و کوالالامپور با برج های دولویش هویت می یابند، هیچ ضرورتی ندارد که بخوایم برج میلاد تهران را منتهی اصفهان را به عنوان نماد هویتی این شهرها معرفی کنیم. دبی و کوالالامپور تا هفتاد سال پیش روستایی بیش نبودند؛ بسیاری از شهرهای دیگر هم که نماد هویتی خود را در برج ها و پل ها و ساختمان های بلند بازتاب می دهند، هیچ امکان تاریخی و یا طبیعی برای هویت دهی به شهرهای خود ندارند. در حالی که در تهران کوه دماوند و درخت های چنار پانصدساله و در اصفهان رودخانه زاینده رود وجود دارد. ما این فرصت ها را کنار گذاشته و وارد بازی ای شده ایم که نه تنها به ما هویت نمی دهد بلکه هویت موجود شهرهایمان را نیز تهدید می کند.

فضاهای فرهنگی و امکان استفاده آنها از این فضاها اهمیت بسزایی دارد؛ این در حالی است که متأسفانه در تهران امروز به این مسئله چندان توجهی نمی‌شود. از این منظر هویت یک شهر، مقوله‌ای پویا و کلی است که از زاویه‌های مختلف و با ابزار متنوع قابل مطالعه است. نیاز به به‌رسمیت شناختن هویت منحصربه‌فرد شهرها، همراه با سنجش میزان و نحوه تأثیرپذیری آنها از یکدیگر، ضرورت شناخت و ساماندهی سیمای شهر اشکاز می‌سازد.

امروزه، بازمیان‌رفتن بسیاری از شاخص‌های هویت‌دهنده به شهرها، شاهد نویی یکپارچه‌تری و همانندی در سیمای شهرهای مختلف ایران هستیم، زیرا این شهرها در آن سطح به پیشینه عناصر شکل‌دهنده سیمای خود، راه تقلید بدون تأمل از شهرهای بزرگ‌تر و به‌ظاهر پیشرفته‌تر را به صورت سلسله‌مراتبی در پیش گرفته‌اند. مراقب این پدیده، احساس بی‌هویتی و تعلق نداشتن به مکان زندگی است. به‌نامدایی چون نارضایتی از محیط، آشفته‌گی‌های روانی و بی‌مسئولیتی نسبت به جامعه را به دنبال دارد. برای مثال، در بیشتر مواقع، یک شهروند تهرانی برای بازدید از یک موزه مانند موزه ایران باستان برای یافتن وسیله رفت‌وآمد، جای پارک خودرو یا حتی تنظیم وقت متناسب با ساعت کار موزه با مشکلات متعددی روبه‌روست. این امر ناشی از آن است که این مسائل چندان مورد توجه و دایان توسعه فرهنگی شهر تهران قرار نگرفته و به عبارتی، حتی قوانین موجود متناسب با فرهنگ متغیر شهری، شهروندی و گردشگری، تغییر نکرده‌است. به عبارت دیگر، موزه‌ای که شصت یا هفتاد سال پیش در این شهر تأسیس شده، امروز هم با همان تعریف، همان فضا و همان سازوکارها، و به رغم تمام تغییرات شهری، اجتماعی و فرهنگی به حیات خود ادامه می‌دهد. شاید بتوان گفت: این مسئله باعث شده بیشتر ایرانیانی که در سفرهای خارجی، حتماً بازدید از

موزه‌ها را جزء اصلی‌ترین برنامه‌های خود قرار می‌دهند، در شهر محل سکونتشان حتی از یک موزه هم بازدید نکرده باشند. از این دیدگاه می‌توان ادعا کرد: ارتباط معنی‌دار میان انسان و محیط سکونتش کم‌رنگ شده و یکپارچگی دیداری و ساختاری بافت، خیابان و مکان آسیب دیده‌اند. بدین لحاظ اهمیت دادن به ارتقای هویت و سیمای شهر می‌تواند کمک شایانی به تحقق اهداف متعالی کند. در این پژوهش نیز میزان شناخت مردم نسبت به فضاهای فرهنگی و امکان استفاده آنها از این فضاها به عنوان مهم‌ترین محور هویت شهری می‌تواند اهمیت بسزایی داشته باشد؛ بنابراین علی‌رغم تمامی تعاریفی که ممکن است از هویت شهری با ابعاد مختلفش وجود داشته باشد بازسازی و شناخت فضاهای فرهنگی در راستای توسعه فرهنگی شهر می‌تواند هویت شهری را بر این نوشتار معنادار سازد. از این منظر بسیاری از کارشناسان شهری بر این عقیده‌اند که نمای ظاهری شهر باید به نوعی کالبد فرهنگی هر شهر به شکل آینه‌ای به طوری که هر تازه‌واردی که وارد شهر می‌شود، اوضاع فرهنگی آن شهر را مورد سنجش قرار دهد، ولی متأسفانه امروزه پیکره شهرها به گونه‌ای ساختاری شده که با هیچ اسلوب و اصولی از رفتار انسانی سازگاری ندارند و ناهمگونی در نتیجه شهری با کاشانه‌های (آپارتمان‌های) در اندازه‌های کوچک و متراکم ساخته شده است که هویت ایرانی ندارد و نمی‌تواند هویت جمعی و محله‌ای را تقریب کند.

شهرداری تهران طی دو دهه گذشته اقدامات مهمی را در این مسیر انجام داده که در این کتاب به تشریح این اقدامات در راستای ارتقای هویت شهری تهران، و ارزیابی دستاوردهای این عرصه و تبیین کاستی‌ها و موفقیت‌های آن خواهیم پرداخت.

چیزی که از برنامه‌های شهرداری تهران می‌توان استخراج کرد این است که شهرداری تهران در بحث ارتقای هویت شهری در چهار حوزه احیا و

ترویج آداب و رسوم مذهبی و ملی؛ احیا و ترویج نمادها، علائم و نشانه‌های دینی، انقلابی و ملی؛ تقویت هویت بصری شهر؛ و تکریم مفاخر، مشاهیر و شهدای محله‌ها سیاست‌گذاری کرده‌است. در این نوشتار علاوه بر مطالعه این چهار حوزه به دنبال شناخت و بازسازی فضاهای فرهنگی به عنوان مهم‌ترین محور هویت شهری در تهران خواهیم بود؛ بنابراین مهم‌ترین دغدغه نویسنده در این کتاب پرداختن به این مسئله خواهد بود که مهم‌ترین ستاوه‌های شهرداری تهران در ارتقای هویت اسلامی، انقلابی و ایرانی شهر تهران در این چهارچوب چه بوده‌است؟ ضرورت‌های حقوقی، نظری و محیطی و رد به این بحث چه بوده‌است؟ دستاوردها و رهیافت‌های شهرداری تهران در حوزه ارتقا و تقویت هویت اسلامی، انقلابی و ایرانی شهر تهران چه بوده‌است؟

به اعتقاد نگارنده شهرداری تهران با ایجاد سیاست‌گذاری مناسب، ایجاد ساختارهای محیطی - محلی و اجرای برنامه‌های مشارکت جویی در سطوح محله، منطقه و کلان شهر در ارتقای هویت اسلامی، انقلابی و ایرانی شهر تهران نقش مؤثری ایفا کرده‌است.